

Consequences of the Allied military presence in Lorestan (1320-1324)

Shahram Yousefifar^{*}, Mohammad Dalvand^{}**

Abstract

After the occupation of Iran in World War II, Lorestan was located in one of the main corridors of the railway and the routes of Shoseh north to Jenö, the location of Souq Al-Jishi (adjacent to Kermanshah, Iraq, Khuzestan, and the north of the country) and the presence of clans with capacity Dissatisfaction with the central government was noticed by the occupiers. The presence of foreign military forces in Lorestan quickly caused disturbances and unfortunate consequences from the economic and social points of view. In this review, we will discuss why and how the allied military forces entered the Lorestan region and also study the consequences of their presence from an economic and social point of view. The results of the research show that after the defeat of the Lorestan mixed brigade (subordinate to the 6th division of Khuzestan) and the occupation of Khuzestan, the allied forces entered the region from the south of Lorestan without resistance. The presence and operations of these forces gradually caused insecurity, lack of food, famine, inflation, and disruption in education in some areas of the region. These issues had long-term effects on the lives of cities and villages

Keywords: Allies, World War II, Lorestan, insecurity, famin

* History professor at Tehran university (Corresponding Author), shyousefifar@ut.ac.ir

** PhD Student, Institute of Humanities and Cultural Studies, Faculty of History of Islamic Iran, mo.dalvand1440@gmail.com

Date received: 12/03/2022, Date of acceptance: 19/06/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیامدهای حضور نظامی متفقین در لرستان (۱۳۲۰-۱۳۲۴ش)

شهرام یوسفی فر*

محمد دالوند**

چکیده

پس از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم لرستان به دلایل مختلفی از جمله فرارگرفتن در یکی از دالان های اصلی راه آهن و مسیرهای شوسه شمال به جنو، موقعیت سوق الحیثی (مجاورت با کرمانشاه، عراق، خوزستان و شمال کشور) و حضور طوایف با ظرفیت های نارضایتی از حکومت مرکزی، مورد توجه اشغالگران قرار گرفت. حضور نیروهای نظامی خارجی در لرستان به سرعت نابسامانی ها و پیامدهای ناگواری را از نظر اقتصادی و اجتماعی به وجود آورد.

در این بررسی به چرایی و چگونگی ورود نیروی نظامی متفقین به منطقه لرستان پرداخته و نیز پیامدهای حضور آنان از منظر اقتصادی و اجتماعی را مطالعه می کنیم. نتایج پژوهش نشان می دهد نیروهای متفقین پس از شکست تیپ مختلط لرستان (تابع لشکر 6 خوزستان) و اشغال خوزستان، از مسیر جنوب لرستان بدون مقاومت وارد منطقه شدند. حضور و عملیات این نیروها به تدریج موجب بروز ناامنی، کمبود مواد خوراکی، قحطی، تورم، و بروز اختلال در آموزش برخی نواحی منطقه شد. این امور تأثیرات دراز مدتی بر زندگی شهرها و روستاها در پی داشت.

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین موقعیت لرستان در برنامه متفقین در ایران و نیز چگونگی تأثیر گذاری آنان بر اقتصاد و جامعه لرستان در این دوره می پردازد.

* استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، shyousefifar@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ اسلام پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
mo.dalvand1440@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۸



شواهد با تکیه بر منابع تاریخی، اسناد و مدارک، روایات معمرین محل و روزنامه ها جمع آوری و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: متفقین، جنگ جهانی دوم، لرستان، ناامنی، قحطی.

۱. مقدمه

منطقه لرستان در خلال جنگ جهانی دوم (۱۳۲۰-۱۳۲۴ش) به دلایل مختلف مورد توجه و میدان عمل نیروهای متفقین بود: مجاورت با استان کرمانشاهان و خوزستان و کشور عراق، عبور راه آهن و راه های شوسه مهم شمال به جنوب کشور، وجود منابع نفت در جنوب آن، و به ویژه حضور طوائف گوناگون که نارضایتی شدیدی از حکومت مرکزی داشتند. از این رو متفقین لرستان را اشغال کرده و به سرعت راه های ارتباطی را به منظور سرعت بخشیدن به جریان انتقال نیروهای خود به شمال ایران و تقویت جبهه شوروی آسفالت نمودند. برای پایداری حضور و حفظ برتری نیروهای خود در لرستان زنجیره ای از استقرارگاه های نظامی و تدارکاتی را در مکان هایی که «کمپ» نامیده می شد، احداث کردند. حضور مداوم این نیروها در کمپ ها و ارتباطاتی که با جوامع محلی پیرامون برقرار می کردند، به تدریج تأثیرات پنهان و آشکاری را برجای گذاشت. از جمله آن موارد عدم تجانس فرهنگی و اجتماعی گروه های نظامیان خارجی با بافت فرهنگی - اجتماعی عشیره ای و روستائی لرستان بود. این امر رفتارها و عملکردهایی متضاد با منافع اقدار اجتماعی جامعه میزبان، به ویژه کشاورزان و بازرگانان، به وجود می آورد. عدم توجه و حساسیت به الزامات رفتار مسالمت جویانه با جامعه محلی درگیر در موقعیت جنگی، پیامدهای غیر قابل جبرانی بر ساختار اجتماعی - اقتصادی لرستان تحمیل می کرد.

در پژوهش حاضر به این پرسش پرداخته می شود که چه چالش هایی در نتیجه حضور و استقرار طولانی نیروهای متفقین در لرستان ایجاد شد؟ چه تضادهای اجتماعی و اقتصادی بین مردمان منطقه و نظامیان بیگانه بروز کرد؟ فرضیه تحقیق چنین است: با آن که نظامیان متفقین در روند اشغال و استقرار در لرستان با مقاومت مؤثری روبه رو نشدند، اما رویه ها و اقدامات آنها به گونه ای مغایر منافع جوامع محلی بود و از این رو در میان مدت، حضور آنها آثار منفی و زیانباری بر جای گذاشت. این روند تابعی از خواست و منافع مورد نظر آنها در دیگر مناطق کشور بود که به شکل ویرانگری در لرستان بر جای ماند. از

جمله پیامدهای آن وارد شدن صدمات به زیرساخت های کشاورزی، بروز ناامنی اجتماعی، قحطی های فراگیر، افزایش قیمت مواد غذایی، اختلال در ایفای وظائف حکومت در اداره مناطق، اشکال در روند آموزش و پرورش و موارد نظیر بود. دولت مرکزی به دلیل عمیق بودن آسیب ها و گستردگی مشکلات، قادر به جبران این صدمات نبود.

در این پژوهش، نخست اطلاعات و داده های مورد نظر از منابع شناسایی و گردآوری شد. شماری از داده ها از شاهدان رویدادهای مورد بحث اخذ گردید. داده های فراهم آمده بر اساس سؤالات مطرح، تجزیه و تحلیل گردید. در مرحله بعد چگونگی ورود متفقین به لرستان، شیوه عملکرد و در نهایت پیامدهای اجتماعی حضور آنان، بررسی می شود.

۲. پیشینه پژوهش

در شماری از پژوهش های تاریخی در باب دوره ی مورد بحث، مطالبی در پیرامون وضعیت ایران در خلال اشغال متفقین به دست می آید. مکی (۱۳۶۶) در تاریخ بیست ساله ایران (ج ۸)، کاتوزیان (۱۳۹۲) در اقتصاد سیاسی ایران، فوران (۱۳۹۰) در «مقاومت شکننده» و مهدوی (۱۳۹۰) در «تاریخ روابط خارجی ایران» بحث هایی در باب جنگ جهانی دوم، اشغال ایران و مسأله حضور نیروهای متفقین در مناطق مختلف کشور وجود دارد که بیشتر ناظر به رویکرد سیاسی و نظامی نویسندگان و محققان فوق است و فاقد رویکرد اقتصادی و اجتماعی به ویژه در مورد منطقه لرستان است. از این رو درباره موضوع این پژوهش که در باب نتایج اجتماعی-اقتصادی حضور متفقین در منطقه لرستان است، بررسی صورت نگرفته است. در تعدادی از مطالعات مربوط به ورود متفقین به لرستان و چالش آنها در این منطقه مانند: دالوند (۱۳۸۵) انقلاب اسلامی در لرستان (ج ۱) و قاسمی (۱۳۹۴) «سرگذشت خرم آباد» مباحثی در باب ورود اشغالگران در جنگ جهانی دوم به صورت پراکنده موجود است که فاقد رویکرد مورد نظر این مقاله اند و بحثی بسنده در مورد موضوع حاضر در بر ندارند. زیرا اثر دالوند با محوریت انقلاب اسلامی نگارش یافته و کتاب سرگذشت خرم آباد نیز رویدادهای این شهر از روزگار باستان تا عهد ما را بررسی می کند بدون آنکه دربارهی دیگر مناطق لرستان سخنی بگوید.

۳. جغرافیای تاریخی لرستان

لرستان در جنوب غربی فلات ایران، با پستی و بلندی‌های بسیار واقع است. بخش شرقی آن پیشکوه است که دو پدیده طبیعی، یعنی دیواره گور یا کبیرکوه و نیز رود خروشان سیمره آن را از بخش غربی یا پشتکوه جدا می‌سازد (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۴). نام این سرزمین و مردمش از قرون سوم و چهارم. ق لر، اللوریه و گرت یا گور ذکر شده است (مسعودی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۵؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۴). از اواخر دوره سلجوقی به بعد از این منطقه به عنوان یک سرزمین با محدوده جغرافیایی مشخص و در زیر حکومت‌های محلی به صورت لربزرگ و لر کوچک یاد می‌شود (یوسفی فر، ۱۳۹۳، ج ۹، ص ۱۰۵-۱۰۹، مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۳۹-۵۳۸).

موقعیت طبیعی و سیاسی لرستان در طول تاریخ اهمیت ویژه‌ای به این ولایت داده بود، به گونه‌ای که در تقسیمات کشوری و توزیع قدرت سیاسی از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بود. به عنوان مثال سلسله اتابکان خورشیدی تا دوره شاه عباس صفوی (یوسفی فر، ۱۳۹۳، ج ۹، اسکندربیک منشی ترکمان، ۱۳۵۰: ۳۵۰-۳۴۹) چندین قرن حکمران منطقه بودند و چون با اعدام شاهوردی خان، منقرض شد (یزدی، ۱۳۶۶: ۱۶۲) بلافاصله خاندان جدیدی به نام والیان لرستان حاکم منطقه شده و تا سال ۱۳۰۸ ش حکومت کردند (ایزد پناه، ۱۳۷۶: ۱۶۵، ۱۶۷). در اوایل دوره قاجار، حکومت لرستان به دو بخش تقسیم شد: قسمت پشتکوه تحت حکمرانی والیان و پیشکوه (لرستان فعلی) به علی قلی خان واگذار شد (هدایت، ۱۳۳۸: ۱۱۸؛ غضنفری امرایی، ۱۳۹۳: ۲/ ۲۱۲). در دوره قاجار لرستان، خوزستان و بختیاری یک ایالت را تشکیل و بر هر یک از این مناطق یک نفر از سوی حکمران، به عنوان نایب الحکومه، حکم می‌راند (وقایع اتفاقیه، ش ۳۵۶: ۱۲۷۴: ۲۳۷۱/۳).

در دوره رضاشاه شیوه حکمرانی کهن برچیده و حکومت مناطق مختلف لرستان به نظامیان واگذار شد. در آغاز جنگ جهانی دوم فرماندار این منطقه تیمسار مهدی قلی خان تاج بخش بود (رک والی زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۲۶۹؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش: ۱۰۶۰۱۲). در قانون تقسیمات کشوری (۱۳۱۶ ش) کل کشور به ۶ استان تقسیم و لرستان جزوی از استان غرب کشور (شامل استان‌های کرمانشاه، لرستان، همدان، خوزستان، کهگیلویه و کردستان) شد و تنها شهرستان آن خرم آباد بود (بازگیر و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۳).

۴. لرستان در جنگ جهانی اول

موقعیت سیاسی لرستان و همچنین مجاورت آن با چاه های نفت خوزستان و تهدیدهای منابع آنها توسط نیروهای تحت نفوذ متحدین در مرکز و جنوب ایران، این منطقه را مورد توجه نیروهای متفق قرار می داد. انگلستان با توجه به اهمیت فوق العاده ای که برای منطقه لرستان قائل بود از مدت ها قبل بررسی و مطالعات مقدماتی برای احداث راه آهن را شروع کرده بود (ویلسون، ۱۳۹۴: ۲۳۳، ۲۵۰). پس از شروع جنگ جهانی اول، لرستان هم صحنه نفوذ و رویارویی طرفین درگیر جنگ شد. ابتدا از سمت شمال، روس ها برای مقابله با ارتش آلمان و عثمانی در غرب کشور وارد شهر بروجرد شدند و از جمله همکاری ایل بیرانوند، از ایلات قدرتمند لرستان، را بدست آوردند. بیرانوندها از این طریق ضمن دریافت کمک مالی و تسلیحات جدید، نفوذ خود در بروجرد و منطقه سیلاخور را افزایش و به سایر نواحی اشاعه دادند (دالوند، ۱۳۸۵: ۹۹، ۹۷). نظام السلطنه مافی، حاکم لرستان، با وجود سیاست بی طرفی حکومت، در هواداری ضمنی با آلمان و عثمانی با روس ها وارد جنگ شد (والی زاده معجزی، ۱۳۸۰: ۷۴۷). وی طی قراردادی با مأمور آلمان، کنت کانتیس (۱۸ صفر ۱۳۳۴ ق) متعهد شد فرماندهی نبرد آزادی خواهان را پذیرفته، چهل هزار مرد مسلح بسیج کند. کنت کانتیس نیز متعهد شد وسائل جنگی، حمایت مالی و یک هیأت کارشناس آلمانی در اختیار او بگذارد. برای اطمینان خاطر نظام السلطنه، مخارج ماهانه برای وی تعیین و اموال او تا دو میلیون تومان ضمانت شد (بلوشر، ۱۳۶۹: ۴۰).

نظام السلطنه بر اساس این طرح، نیروی نظامی متشکل از افواجی از سواران چریک لر، لک و ژاندارم گرد آورد. بخش عمده ای از این نیروها با فراخوان نظرعلی خان امرایی امیر نظام (حاکم طرحان، غرب لرستان) جمع آوری و سازماندهی شد. امیر نظام در اعلامیه فراخوان نیرو، هدف خود را "حفاظت از بیضه اسلام و دفاع از خاک وطن در برابر تجاوزگران جنگ جهانی اول" اعلام کرد (اعلامیه، ستوده، ۱۳۸۸: ۲۲۲). تاثیر اجتماعی و فرهنگی این رخداد در آوازه حماسی «دایه دایه وقت جنگ است» به منزله فراخوان عمومی برای اتحاد ایلات و عشایر لرستان برای مقابله با تجاوزگران روسی به خاک لرستان، بازتاب یافته است. (ایزد پناه، ۱۳۷۶: ۳۰۴). این نیروها طی نبردهائی قوای روس را تا قزوین عقب راندند. تا امروز حکایات آن وقایع به عنوان رشادت لرها در مبارزه با اشغال گران لرستان نقل می شود (نعمت الله دالوند، مصاحبه، ۱۳۹۸/۹/۱۵). اگر چه در نهایت با حمله انگلیس به

بغداد و بازگشت روس ها به غرب ایران، قوای نظام السلطنه و لرها درهم شکست (دالوند، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۴) و لرستان تحت نفوذ متفقین درآمد. از مهم ترین پیامدهای اشغال لرستان در جنگ جهانی اول می توان به مواردی چون قحطی، قتل و غارت اموال مردم و انبار های دولتی توسط نیروهای روس اشاره نمود: به عنوان نمونه نظامیان روسیه به منظور تهیه جو برای اسبان خود به منزل نایب الحکومه شهر بروجرد حمله ور شده انبار دولتی را غارت نموده و با یورش به یکی از روستاهای این شهر سیزده تن از کودکان و زنان را به قتل رساندند. (رعنائی، ۱۳۹۴: ۲۳)

۵. لرستان در جنگ جهانی دوم

وضعیت ایران در آستانه وقوع جنگ جهانی دوم (۱۳۱۸ ش/۱۹۳۹م)، شباهت هائی با جنگ اول داشت: به صورت رسمی اعلام بی طرفی شد، تمایلات دربار و امرای ارتش از نیروهای مخالف نظم مستقر جهانی به نمایندگی آلمان و جناح متحدین، فضائی از هواداری در بین نیروهای سیاسی داخل را تشدید می کرد. این امر زمینه بهره برداری از حربه دلبستگی به فاشیسم و هواداری از دولت های محور را به عنوان توجیه تعیین جایگاه ایران در معادلات جنگ را بدست می داد. به تشدید و گسترش جنگ در جهان، ایران نیز به صحنه کارزار کشانده شد (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۸۱-۱۸۰؛ کرونین، ۱۳۹۷: ۹۹).

در منطقه لرستان، چند فروند از بالگرد های متفقین، بر آسمان خرم آباد مانور داده و اعلامیه های رنگی بدین مضمون فرو ریختند: «مردم شریف ایران! وجود مهندسین و مشاورین آلمانی موجب فتنه و شر است. شما این آلمانی های ملعون را از مملکت خود بیرون کنید» (سراجی، ۱۳۸۸: ۷۹-۷۸).

منطقه لرستان در برنامه راهبردی جنگ موقعیت ویژه ای داشت. سابقه حضور و نفوذ مستشاران آلمانی در خلال جنگ اول در لرستان، در کنار نیاز متفقین به یک خط تدارکاتی و پشتیبانی به ارتش شوروی که مسیری کوتاه از لرستان داشت، مهم تری دغدغه در مورد لرستان بود (رزم آرا، ۱۳۹۳: ۱۳۱). میلیون ها تن امکانات رزمی و تدارکاتی آمریکائی ها و متفین از طریق خلیج فارس باید به جبهه روسیه منتقل می شد (لسترنج فاوست، ۱۳۷۴: ۱۹۹). از این رو لرستان باید چون منطقه ای تحت کنترل درآید.

عملیات اشغال لرستان توسط نیروهای انگلیسی با فرماندهی ژنرال سرچیبالد ویول، از سمت غرب و جنوب غرب آغاز شد. نیروهای ایران به فرماندهی سرلشگر محمد خان شاه بختی، فرمانده نیروهای جنوب، مقاومت اندکی نمودند (مهدوی، ۱۳۹۰: ۴۰۶-۴۰۵). در خوزستان، نیروی دریایی خرمشهر منهدم و دریا سالار بایندر کشته شد (سراجی، ۱۳۸۸: ۷۷). در این هنگام تیپ مختلط لرستان، تابع لشکر ۶ خوزستان بود و از این رو به منظور تقویت جبهه ی خوزستان، سرهنگ کنی، فرمانده موقت تیپ خرم آباد، سربازان لرستانی را مجهز به اسلحه و مهمات در هنگ ها و واحدهای نظامی مختلف کرد و از طریق راه آهن به شهرهای اهواز و خرمشهر اعزام نمود. این گروه در نخستین مرحله رشادت های زیادی از خود نشان داد (والی زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۲۸۹؛ محمدی، ۱۳۹۰: ۸۶) و روایات فداکاری های هنگ ۱۸ گارد سپه لرستان در مقابل نیروهای متفقین (والی زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۳۰۲)، چون نمونه ای از روحیه دشمن ستیزی برای دیگر نیروهای نظامی که فرار کرده یا اقدام به فروش تجهیزات خود در قبال غذا کرده بودند (کرونین، ۱۳۹۷: ۹۹)، ذکر می شد. اما در روند کلی بسیج نیروها و مقاومت چند روزه ی ارتش (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۸۱)، قوای لرستان نیز متعاقب آن فروپاشید (سراجی، ۱۳۸۸: ۷۸).

۶. پیامدهای اشغال لرستان

افزون بر وضعیت جنگی که بر اقتصاد کشورهای جهان و خاورمیانه و ایران غلبه یافته بود، در لرستان که به اشغال درآمده بود و ارتش مهاجمان در مراکز نظامی و کمپ ها سررشته امور را در دست داشتند، اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی، سمت و سوئی فاجعه بارتر می یافت. رخدادها باعث شدند شماری مشکلات کلان خارج از کنترل ظهور کرده و در امور اقتصادی - اجتماعی اختلال ایجاد شود که ما در این جا آنها را در دو محور پیامدهای کوتاه مدت و میان مدت دسته بندی می کنیم:

۱.۶ پیامدهای کوتاه مدت

۱.۱.۶ واکنش های مردم لرستان (درگیری، سرقت)

یکی از زمینه های درگیری مردم محلی با نیروهای متفقین به موضوع تسلیحات و مهمات مربوط بود. به دلیل کاهش شدید امنیت در منطقه، مردم منطقه به تسلیحات و مهمات جدید انباشته شده در کمپ های نظامی متفقین نیاز داشتند و از این رو به ناگزیر باید آن موارد را از طرق مختلف از آن جا بدست می آوردند. حملات مداوم به کمپ های نظامی باعث درگیری و نبردهای موضعی بود. در برخی از موارد با دخالت کدخدایان محلی، اسلحه و مهمات به سرقت رفته بازپس داده می شد (نعمت الله دالوند، مصاحبه، مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۵). گاه نیروهای محلی برای سربازان متفقین کمین گذاشته و سلاح های آنان را تصاحب می کردند. از جمله معروف ترین این موارد توسط یک شکارچی معروف در منطقه هرو، واقع در شرق لرستان، بود که به قتل سربازان و بردن سلاح های آنان انجامید. (شیخ علی فلاحی، مصاحبه، مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۹). در گزارش های فرمانداری خرم آباد نیز مواردی این چنین منعکس است. از جمله در ۳ مهر ۱۳۲۳ ش، در گردنه رازان (کیلومتر ۵۰ جاده خرم آباد به بروجرد) به یک کامیون حمل اسلحه و مهمات آمریکایی تیراندازی و راننده کامیون مجروح شد (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم، ۱۳۸۹: ۲۸۸). در مناطق مختلف لرستان (روستای ملاوی در جنوب لرستان، منطقه دورود در شرق خرم آباد و مناطق دیگر) درگیری و تیراندازی به نیروهای متفقین نیز گزارش شده است (همان: ۲۷۸).

پس از اشغال لرستان، نیروهای متفقین، متشکل از سربازان و افسران هندی، انگلیسی و آمریکائی، در منطقه پادگان بدرآباد، واقع در جنوب شهر خرم آباد استقرار یافتند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۰۸). حضور این گروه نظامی در منطقه از همان ابتدا با سردی و رفتارهای پرخاشجویانه مردم محل و شهر مواجه می شد. از جمله در جریان طرح دعوای یک افسر انگلیسی در شهربانی خرم آباد که از رفتار نامناسب مردم محل شکایت داشت، سرگرد شکیب، رئیس شهربانی، ضمن تکذیب ادعای وی، اظهار داشت در باب قضیه مورد نظر که در جریان ایاب و ذهاب نظامیان رخ داده بود، تنها تعدادی از کودکان و افراد ولگرد در کنار جاده به قصد تماشا ایستاده بودند و این ربطی به مردم شهر ندارد (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۲۵۰). در جریان درگیری های مختلف مردم محلی و نیروهای نظامی خارجی، افرادی از دو طرف به دلائل گوناگون، هدف گلوله قرار گرفته و به قتل می رسیدند.^۱

این گونه گزارش ها از درگیری های پراکنده و نامنظم نیروهای محلی، به ویژه در نواحی غیر شهری و روستائی، برآمدی از نارضایتی هایی بود که در نتیجه اشغال و مداخلات نیروهای متفقین در لرستان پیش می آمد. بدیهی است نارضایتی های عمومی و فزاینده از این وضعیت که در بین گروه های مختلف بازتاب های گوناگون داشت، نیازمند بررسی گسترده تری است.

۲.۱.۶ اختلال در وضع آموزشی

از دیگر نتایج حضور نیروهای متفقین در منطقه لرستان، بروز آشفتگی در وضعیت آموزش و پرورش و تعطیلی مدارس بود. در جریان اشغال لرستان، تحصیلات دانش آموزان هم تحت تأثیر قرار گرفت. زیرا افزون بر کمبود معلمان مدارس، کتب درسی به دلیل عدم بودجه ی وزارت فرهنگ به موقع چاپ نمی شد و محتوای کتاب های درسی به صورت جزوات بسیار خلاصه ای به خرم آباد ارسال می شد. در چنین شرایطی بود که مسئولان آموزش و پرورش خرم آباد، تصمیم گرفتند دوره متوسطه دوم متوسطه را منحل کنند (سراجی، ۱۳۸۸: ۷۶).

این وضعیت توسط عوامل دیگری هم تشدید می شد. بحران قحطی و کمبود ارزاق عمومی در منطقه لرستان باعث شد شماری از معلمان و دبیران غیر بومی از حضور در منطقه و ایفای وظائف خود امتناع نموده و روند امور آموزشی را با اختلال مواجه کردند به طوری که تنها دبیرستان شهر تعطیل شد (همو: ۸۳). افزون بر تعطیلی دبیرستان خرم آباد، برنامه ی دبستان های کشاورزی خرم آباد نیز با تعطیلی مواجه شد (ستوده، ۱۳۸۸: ۲۱۲).

افزایش هزینه های زندگی و سختی معیشت، مانع از آن شد که بسیاری از خانواده ها امکان تأمین هزینه های تحصیل فرزندانشان را پیدا کنند. از جمله هزینه بالای لوازم التحریر، به ویژه نوشت افزار و کاغذ که معمولاً از انگلیس وارد می شد، مشکلات جدی بر سر راه تحصیل بود (بولارد، ۱۳۶۳: ۹۴؛ اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۳۲۹: ۲۲۸).

۳.۱.۶ غصب اموال مردم و تجاوز به حریم خصوصی

زمینه های نارضایتی مردم محلی از حضور و اقدامات نیروهای اشغالگر و مصائب جنگ بسیار بود. از این رو برخوردهای متنوعی بین مردم و نیروهای متفقین رخ می داد و گاه

زمینه شکل گیری اعتراضات و نارضایتی های اهالی لرستان تا سطوح بالاتر جامعه می شد. برخی از این گونه درگیری ها در منابع انعکاس یافته است.

سرقت اموال شهروندان ضعیف، توسط سربازان و نیروهای نظامی بیگانه یک مورد عمومی تر بود. بنا به گزارش فرمانداری خرم آباد در بیست و چهارم اسفند ۱۳۲۲ اموال (شامل خرما، چای، پارچه) یک فرد روستایی ساکن کریم آباد (از توابع دهستان ازنا، در شرق خرم آباد) به ارزش سیصد تومان در مسیر راه اندیمشک به خرم آباد، توسط یکی از رانندگان متفقیین سرقت شد. البته این گونه شکایت ها ره به جایی نمی برد و شهروانی خرم آباد تقصیر را بر گردن شاکی انداخت (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم..، ۱۳۸۹: ۲۹۵-۲۹۳).

مصادره اموال مردم محلی، گونه ای دیگر از دست اندازی و غصب اموال از سوی نیروهای نظامی متفقیین بود. به گزارش مجلس شورای ملی، اموال یکی از مغازه داران خرم آبادی توسط سربازان دولت شوروی در پنجم شهریور ۱۳۲۳ مصادره گردید. دادخواست مال باخته به مجلس شورای ملی ابتدا به وزارت کشور و سپس به وزارت امور خارجه ارجاع شد. البته روشن است که نتیجه ای از این حاصل نشد. (همو: ۳۱۶).

این گونه تعرضات به اموال مردم در شرائطی صورت می گرفت که طبق بند ۵ منشور آتلانتیک، نیروهای متفقیین باید در جهت فراهم آوردن شرایط بهتر اشتغال، پیشرفت اقتصادی و امنیت در تمام شئون اجتماعی برای تمامی ملل کره ی زمین (مکی، ۱۳۶۶: ۳۴۶) کوشش کنند. در حالی که آنان نه تنها برای پیشرفت اقتصادی ملت ها اقدامی ننمودند، بلکه امنیت مردم را هم به مخاطره افکندند. به طوری که در شهرستان بروجرد طبق گزارش فرماندار منطقه، سربازان آمریکایی به منازل مردم وارد شده و باعث ایجاد رعب و وحشت ساکنین شده بودند؛ در موارد دیگر نیز نظامیان آمریکایی با شکستن درب خانه های مردم، افرادی را که نسبت به آنها سوء ظن داشتند به همراه خود می بردند این نوع رفتار ناجوانمردانه شکایت اهالی بروجرد را به فرمانداری در پی داشت (گزیده اسناد جنگ جهانی دوم..، ۱۳۸۹: ۲۳۶-۲۳۵). روشن بود رسیدگی به شکایت شاکیان و احقاق حقوق آنها با توجه به ضعف حکومت مرکزی و حضور بیگانگان در خاک لرستان، امری محال بود.

۲.۶ پیامدهای میان مدت

۱.۲.۶ ناامنی اجتماعی

به دلیل شرایط طبیعی، اداری و اجتماعی منطقه لرستان، اشغال آن ناامنی بسیار گسترده ای بدنبال داشت. یک منشأ عمده ناامنی ایلات و طوایف منطقه بودند. پس از استعفای رضاشاه، عشایر لرستان با قصد دستیابی به آزادی عمل، با تکیه بر ذخائر سلاح های مخفی خود و نیز تأمین مایحتاج تسلیحات از طریق خرید از نظامیان و قاچاقچی، به سرعت خود را مسلح کردند. امری که دامنه ناامنی در لرستان و مناطق مشابه را در پی داشت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۱۳).^۲ بازتاب این وضعیت در سیاست انگلیس چنین بود که در مقطعی رویه پشتیبانی از دولت مرکزی در برابر مسأله عشایر را ایجاب کرد. از جمله در سفارت انگلیس در تهران، جلسه ای باحضور فرماندهان عالی رتبه ارتش بریتانیا تشکیل شد و مقرر شد از رویه حمایت ملوک الطوایف روی برگردانده و جانب دولت مرکزی را بگیرند (بولارد، ۱۳۶۶: ۶۷-۶۶).

زمینه های بسیاری برای درگیری عشائر و حکومت وجود داشت. عنان گسیختگی عشائر باعث شد آنان اقداماتی را برای اعاده موقعیت قبلی خود در منطقه شروع کنند. کاکاوند ها، از طوایف قدرتمند لرستان، از فرصت از هم گسیختگی ارتش در لرستان و سیاست نیروهای نظامی متفقین در منطقه استفاده کرده و تعداد زیادی اسلحه از سربازان فراری خریداری و دست اندازی به روستاهای شمالی و شرقی این منطقه را آغاز کردند. دولت مرکزی در دی ۱۳۲۰ لشکرهای لرستان و کرمانشاه را بازسازی و به فرماندهی مهدی قلی خان تاج بخش (فرمانده نظامی خرم آباد) برای سرکوب کاکاوندها و محمودوندها به لرستان اعزام کرد. این عملیات سرانجام به شکست قطعی آن طوایف در منطقه دلفان و هرسین انجامید (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۱۲۰۶۰۱۲).

در جریان این گونه تاخت و تازها، مشکلات و خسارت های زیادی به اموال خصوصی و عمومی مردمان وارد می شد. راه زنی و دزدی به عنوان پدیده ای اجتناب ناپذیر در این شرایط در کنار رویه برخی از طوایف که با تکیه بر روش غارت اموال به ویژه دولتی، مایحتاج خود را جبران می کردند، تشدید می شد. غارت انبارهای غله دولتی، از جمله زیان بارترین این گونه رفتارها برای فروپاشی نظم اجتماعی بود. عشائر در منطقه هفت چشمه از

توابع دلفان، انبارهای غلات دولتی را غارت و زمینه کمبود شدید مواد غذایی را فراهم آوردند(رک: والی زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۲۹۸، ۳۰۰).

به طور مشخص گزارشی در باب کمک مستقیم انگلیسی ها به حکومت، در برنامه سرکوب عشایر لرستان موجود نیست، اما بدون تردید به دلیل صدمات ناشی از تحرکات طوائف لر علیه حضور نیروهای متفقین در سرزمین های خود، همراهی غیر مستقیم انگلیسی ها با سیاست و اقدامات حکومت علیه عشائر پذیرفتنی می نماید.

زمینه دیگر ناامنی های اجتماعی این دوره، به بروز تغییرات در موقعیت قبلی ایلات و طوایفی تبعید شده مربوط بود. شرائط جنگ جهانی و اشغال کشور فرصت مناسبی برای شماری از طوائف تبعید شده از لرستان ایجاد کرد تا برنامه بازگشت از تبعیدگاه ها به سرزمین اصلی خود را در دستور قرار دهند. این تصمیم پیامدهای پیچیده ای را به دنبال داشت. شماری از این مردمان ضعیف نگاه داشته شده برای تأمین مایحتاج کوچ طولانی خود از مناطقی چون خراسان، شروع به دست اندازی و غارت اموال روستاهای طول مسیر نمودند. نیروی نظامی کشور که توان مقابله با این جماعت از تبعید بازگشته خشمگین را نداشت، با توسل به نیروهای روس، زمینه اقدام آنان علیه طوائف مزبور را فراهم کردند. مهم ترین ادعائی که بر علیه این جماعت اقامه می شد پیش بینی وقوع جنگ های چریکی توسط طوائف مزبور علیه روس ها در مناطق مختلف بود و بر این اساس باید روس ها مانع از خروج آنان از تبعیدگاه هایشان می شدند. در نتیجه این تحریکات روس ها با نهایت بی رحمی به تبعیدی ها حمله ور شده و شماری از آنان را به قتل رسانده یا اسیر کردند(فهیمی، ۱۳۸۸: ۶۸، ۷۳). اما چون طوائف تبعیدی به لرستان وارد می شدند تازه شروع درگیری ها و چالش های طولانی مدت بود، زیرا بازپس گیری قلمروها و اعاده زمینه های تخاصم قبلی و تسویه حساب های دوره رضا شاه، ناامنی و بی نظمی شدیدی را به وجود می آورد. برخی از این طوائف در منطقه بروجرد، به اجبار درصدد بازپس گیری املاک خود برآمده و با ایجاد بی نظمی در ادارات و اشاعه ارباب فضای ناامنی را دامن زدند(رک: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش: ۰۷۴۴۲۰-۲۴۰).

از سوی دیگر غارت و تصاحب اموال با شدت عمل، توأم بود و گاه وقوع قتل و ضرب و حرج و مسائل نظیر اجتناب ناپذیر می نمود. گزارش های زیادی از وقوع سرقت و حوادث منجر به قتل در این ایام در مناطق مختلف لرستان در دست است. در حالی که به

دلیل حضور نیروهای متفقین در لرستان، مأمورین نظامی و انتظامی منطقه توان اعمال اراده برای جلوگیری موثر از این گونه حوادث را نداشتند و این بر وضعیت هرج و مرج و گسیختگی امور در منطقه دامن می زد. در گزارش ستاد ارتش آمده است در منطقه چگنی (غرب لرستان)، سارقان پس از سرقت اموال مردم، یک نفر را به قتل رساندند، اما مأموران ژاندارمری نتوانستند هیچ گونه اقدامی برای ایجاد امنیت اهالی منطقه بعمل آورند) سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند ش: ۰۰۱۰۴۱-۲۹۳).

شیوع این گونه رفتارهای نافی امنیت شخصی و اجتماعی، باعث تزلزل امنیت اقتصادی و کسب و کارها به ویژه در نقاط شهری و روستائی بود. جنگ و حضور اشغال گران در قلمروی مانند لرستان که نظم اجتماعی و اقتصادی، به دلیل حضور جماعات طوائف مسلح و ناراضی از وضعیت خود، بسیار شکننده بود، به مانند عاملی تسهیل کننده برای روال نظم و گسترش ناامنی عمل می کرد. لرستان در این دوره هم متحمل عوارض ناشی از جنگ بود و هم پیامدهای اشغال توسط نیروهای نظامی خارجی که البته نه امکان ورود به درگیری های منطقه ای را داشتند و نه به نیروهای ضعیف حکومت فرصت تجدید سازمان و عملیات علیه نیروهای مزبور را می دادند.

۲.۲.۶ توسعه زیرساخت های نظامی

حضور گسترده و طولانی مدت نیروهای متفقین در لرستان، نیازمند برخورداری از امکانات زیرساختی مناسب برای تأمین مایحتاج روزانه نیروها و پشتیبانی فعالیت های نظامی بود. برای این منظور باید شمار زیادی طرح های عمرانی و ساخت و ساز تأسیسات گوناگون رفاهی، راه سازی، نظامی، اداری و غیره صورت می گرفت. این امر مستلزم بکارگیری نیروی کار محلی در این راستا بود.

سر ریدر بولارد اشاره دارد در خلال دوره جنگ دوم جهانی، انگلیسی ها اقدام به توسعه شبکه راه آهن نموده و طرح های احداث راه ها، تأسیسات تعمیرگاهی اتومبیل ها، جایگاه های سوخت رسانی، ساختمان ها، مراکز بهداشتی و درمانی و بیست و نه فرودگاه جدید در کشور را به ثمر رساندند. البته این اجرای این طرح ها بلاعوض نبود و صرفاً به خاطر تسهیل حمل و نقل تدارکات نظامی انجام می شد (لسترنج فاوست، ۱۳۷۴: ۲۶۵). مهم ترین این طرح ها آسفالت کردن محور ارتباطی اندیمشک-بروجرد بود. البته به دلیل عدم

کیفیت کار و لایه ی نازک آسفالت، فقط یک سال دوام آورد. اما در جریان این طرح، طول جاده اصلی به چندین بخش تقسیم و حفاظت و مرمت آن بر عهده کشورهای مشارک قرار گرفت^۳. در جریان اجرای این طرح لازم بود کمپ های نظامی زیادی در طول مسیر راه ها احداث شود (محمدی، ۱۳۹۰: ۸۴) و این امر مستلزم تملک یا اجاره اراضی مناسب در طول مسیر برای احداث بناهای مورد نظر بود. برای این منظور نیروهای متفقین در بعضی از مناطق لرستان و به ویژه در منطقه زاغه^۴، مقادیری زمین زراعی در حاشیه ی جاده اصلی را از کدخدایان محلی برای احداث تأسیسات نظامی کمپ اجاره کردند. به عنوان نمونه کمپ مهم و سوق الجیشی منطقه زاغه، در بالای گردنه ای موسوم به توگه، در ۳ کیلومتری غرب روستای زاغه، در شرق خرم آباد قرار داشت (سند اجاره زمین، اسناد شخصی سام دالوند). این کمپ نقش مهمی در تأمین اهداف نظامی متفقین داشت.

حجم بالای ساخت و ساز تأسیسات مختلف توسط متفقین تأثیراتی دراز مدت در سبک زندگی و کسب و کار مردمان مقیم در مجاور راه های مزبور برجای گذاشت. از جمله شمار زیادی از شاغلین بخش کشاورزی در لرستان از زراعت کناره گرفته و به اشتغال در کمپ ها به صورت کارگر روزمزد و چندی بعد نیز با فراگیری زبان انگلیسی به عنوان مترجم استخدام شدند (والی زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۳۰۲؛ میرحسین دالوند، مصاحبه، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۵). رشد تردد وسائل حمل و نقل نیز بخودی خود تغییرات اقتصادی و فرهنگی را تشدید می کرد. شکل گیری بسیاری قهوه خانه های بین راه، بجای کاروانسراهای قبل، مشاغل وابسته به وسائل حمل و نقل و موارد نظیر از این جمله بود. لازم به ذکر است ورود افراد به کمپ های نظامی برای اشتغال به کارهای خدماتی بدون وجود یک نفر معرف و واسطه ی معتمد محلی امکان پذیر نبود. به طور معمول خان یا کدخدای روستاها و مناطق مختلف لرستان، که قبلاً انگلیسی ها آنها را به عنوان مباشر استخدام نموده بودند، در این موقعیت قرار داشتند. اینان وظیفه داشتند افراد مناسب محلی را استخدام کنند و شیوه عمل به صورت بکارگیری افراد در دو دسته کارگر سی نفره به همراه یک نفر سرکارگر بود (محمدی، ۱۳۹۰: ۸۴). این افراد بجز مشاغل کارگری، در کمپ های آمریکائی، به کارهایی از قبیل نظافت، لباس شویی و اتوکشی و کارهای مشابه گمارده می شدند (سراجی، ۱۳۸۸: ۸۳). یک عرصه دیگر بکار گیری نیروهای محلی در مشاغل مربوط به خدمات درمانی بود. از جمله هنگامی که آمریکایی ها در ۱۳ کیلومتری جنوب شهر خرم آباد بیمارستانی خاص نیروهای خود احداث کردند، به ناگزیر بیست و هشت نفر پزشک و

پیامدهای حضور نظامی متفقین در ... (شهرام یوسفی فر و محمد دالوند) ۱۴۵

دستیار از وزارت بهداشتی و ارتش جهت مبارزه با بیماری مالاریا در خرم آباد آموزش دادند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۷۴۶).

تأسیس مراکز تعمیرگاهی و نیز جایگاه های سوخت رسانی از دیگر زیرساخت های مورد نیاز متفقین بود که در طول مسیرهای اصلی لرستان احداث کردند. برای این منظور اراضی مناسب در نواحی گوناگون تملک یا اجاره می شد.^۵ این گونه زیرساخت ها باعث گسترش زمینه آشنائی و ترویج استفاده از وسائل نقلیه و کشاورزی در منطقه می شد.

۳.۲.۶ بروز قحطی

جنگ، کاهش تصدی گری دولت در امور عمومی و به ویژه حوزه ارزاق عمومی، حضور نیروهای اشغال گر و نیاز به تأمین مستمر و منظم مواد غذایی به صورت ویژه باعث نایاب شدن خواروبار و گرانی آن در ایران و منطقه می شد. در شرایط اضطراری این وضعیت قحطی های پایدار یا مقطعی را باعث می شد. از بین عوامل فوق افزایش تقاضای مواد غذایی و دامی توسط متفقین عاملی تأثیرگذار بود (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۵۸۳).

یکی از ادوار قحطی در بازه ۷-۶ ماهه، از نیمه ی شهریور ۱۳۲۱ آغاز و تا پایان سال دوام داشت (مکی، ۱۳۶۶: ۳۲۳). اگر چه معضل کمبود آذوقه که در نتیجه کمبود بارندگی و رشد تقاضای نیروهای متفقین در لرستان از اوایل خرداد شروع شده بود. در دوم خرداد ۱۳۲۱ فرماندار نظامی لرستان جهت تأمین نان و مصرف شهر خرم آباد از وزارت دارایی مقادیری گندم و جو درخواست نمود و متعاقب آن یکصد تن گندم و جو از شهرهای بروجرد و ملایر به خرم آباد ارسال گردید (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سندش: ۰۷۴۴۲۰-۲۴۰). اما بنا به این که نیازهای اصلی نیروهای متفقین از منابع داخلی تأمین می شد، رقباتی شدید بر سر کسب اقلام مورد نیاز که توأم با دست بالای نیروی نظامی در خرید و انبار اقلام مورد نیاز بود، خوینود بازاری انحصاری در این زمینه پدیدار می ساخت. عامل دیگری که این وضعیت را تشدید می کرد، شیوه متفقین در تأمین غلات و فرآورده های کشاورزی از بازار ایران و ارسال آن به جبهه های شوروی بود. تأثیر این عوامل در منطقه لرستان، بحران ناشی از کمبود یا نبود مواد غذایی، قحطی را پدیدار کرد؛ به طوری که بر اساس گزارش هائی، ساکنان بسیاری از روستاهای لرستان به خوردن ریشه های گیاهان روی آوردند. در گزارش دیگری اشاره شده است برخی از افراد در معابر عمومی

شهر خرم آباد از فرط گرسنگی نقش بر زمین شده بودند (محمدی، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۶). فشار این اوضاع بر مردم طاقت فرسا بود و دست مسئولان ذریبط در برابر نیروهای متفقین بسته بود. در گزارش دادسرای شهرستان بروجرد اشاره می شود مالکان منطقه در داد و ستدی پرسود، گندم های خود را به نمایندگان متفقین فروختند تا به شوروری ارسال شود. وقتی کامیون های گندم که دارای علامت «حمل کالا جهت شوروی» بود، توسط مأموران امنیه توقیف شد، نظامیان انگلیسی دخالت نموده و از اموال رفع توقیف کردند (تبرائیان، ۱۳۷۱: ۲۵۱). در این میان رویه متفقین در خرید اقلام مورد نیاز در فصول خاص و احتکار آن برای مصارف یا ارسال به شوروی مزید علت های فوق می شد.

رشد تقاضای ناگهانی برای مواد غذایی و کشاورزی در لرستان که به دنبال حضور متفقین رخ داد، همگام با افول فعالیت های کشاورزی در منطقه بود. در این سال ها، افت فاحش تولید کشاورزی باعث شد گندم و جو ۲۵ درصد، پنبه ۳۹ درصد، برنج ۱۰ درصد، دام ۹ درصد و توتون و تنباکو ۷ درصد کاهش تولید پیدا کنند (فوران، ۱۳۹۰: ۳۹۷). روند افول فعالیت های کشاورزی پیش از شروع جنگ جهانی، تحت تأثیر برخی عوامل دیگر تشدید شد. اشاره شد ظهور بازار کارگران ساده برای امور ساخت و سازها و مشاغل خدماتی در طرح های عمرانی متفقین، بخشی از نیروی کار فعال در بخش زراعی را جذب کرد. در میان مدت این امر بر تعمیق اثرات کمبود مواد غذایی و قحطی افزود. به طوری که خرم آبادی ها سال ۱۳۲۱ ش را «قحطی سال» یا «سال گز و راق» (سال قاپیدن) می نامیدند، زیرا بهای گندم تا هر من پنجاه ریال ترقی نمود و مردم در صف نانوائی ها از دوش همدیگر بالا رفته و سر و کله ی همدیگر را برای خرید یک قرص نان می شکستند (والی زاده معجزی، ۱۳۸۲: ۳۰۳-۳۰۲، قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۰۷). یا گزارش شد اهالی بروجرد در سال ۱۳۲۱ به دلیل کمبود گندم، مجبور به خوردن دانه مرغ و جو شدند که بر اثر آن تعدادی به بیماری های مختلف مبتلا شدند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش: ۰۰۲۹۰۲-۳۱۰).

افزون بر متفقین، سودجویی تجار و ملاکان منطقه لرستان نیز در تشدید زمینه های موجد قحطی تأثیر داشت. احتکار کالاهائی چون گندم، پارچه، قند و شکر و دیگر مایحتاج مردم مانع از ورود کالا به بازار می شدند (سراجی، ۱۳۸۸: ۷۶).

همه این عوامل موجی از نفرت نسبت به اشغال گران و نقش آنان در ایجاد این گونه بحران ها را بلند می کرد. از جمله برخی از احزاب سیاسی لرستان در این دوره طرح هائی

برای مبارزه با این وضع مد نظر قرار دادند. یکی از این احزاب، حزب میهن پرستان بود که هدف آن، مبارزه با انگلیسی ها بود. زیرا انگلیسی ها با گماردن افرادی جهت خرید گندم و آتش زدن آن، در برابر مردم مقاومت نشان می دادند (قاسمی، ۱۳۹۴: ۶۱۰). هم چنین اعضای حزب در تجسس و کشف انبار کالای قاچاق (مانند چای و شکر) مغازه داران خرم آبادی و گزارش آن به مرکز فعالیت می کردند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش: ۲۴۰-۰۵۰۶۱۵)

بر این اساس ظهور و شیوع قحطی پس از شهریور ۱۳۲۰ در منطقه لرستان تحت تأثیر بروز ناامنی و غارتگری طوائف به دلیل کاهش نظم و امنیت ناشی از ورود متفقین، مانع از جمع آوری به موقع محصولات کشاورزی توسط رعایا و مالکین شد و از سوی دیگر روال عادی کشت و زرع را دچار اختلال کرد. وضعیت اشغال منطقه توسط نیروی نظامی خارجی، مصرف گندم و اقلام خوراکی و قیمت آن را افزود و سختی معیشت را بر مردم تحمیل کرد. صدور غله به خارج از کشور باز شد و مقادیر زیادی گندم، برنج، گاو، گوسفند و چارپایان دیگر به ویژه از شمال و غرب کشور به خارج صادر شد به طوری که موجبات قحطی در مناطق مختلف کشور را دو چندان نمود. (رک اطلاعات در یک ربع قرن، ۱۳۲۹: ۲۲۷)

۴.۲.۶ تورم

یکی از نتایج وخیم ناشی از حضور نیروهای متفقین در ایران، گرانی کالاها و نیز تشدید زمینه های مؤثر در بروز تورم بود. سیاست دولت ایران در چاپ پول بدون پشتوانه، که به دنبال مشکلات اشغال ایران و لزوم تأمین نیازهای مالی متفقین صورت می گرفت، شرایط اقتصادی ایران را در تورم پیش برد. قطع جریان واردات و افول تولید که در اثر شرایط جنگی رخ داد و کاهش اقلام مورد نیاز، باعث افزایش نرخ اجناس شد (بولارد، ۱۳۶۳: ۹۲-۹۱). اثر این شرایط در لرستان بیشتر بچشم می خورد. قیمت گندم نسبت به دیگر کالاها بسیار بیشتر بالا رفت، به طوری که هر کیلوگرم آن تا هفده ریال رسید (رک: والی زاده معجزی ، ۱۳۸۲: ۳۰۳-۳۰۲) و بازتاب آن در خاطره مردم آن نواحی با عنوان «سال کیله پنج تومن» - کیله به معنی پیمانته ای به وزن سه کیلو گرم - در اذهان کهنسالان محلی هنوز به عنوان یک مبدأ تاریخی به کار می رود. افزایش مواد غذایی بجز گندم، دیگر اقلام خوراکی را دربر می گرفت. در آبان ۱۳۲۰ بهای برنج تا منی ۱۳ ریال بالا رفت. در نتیجه مسئولین امر برای

چاره جوئی و جلوگیری از افزایش بی رویه اقلام اصلی چون قند و شکر، توزیع آن را در خرم آباد به صورت کوپنی درآوردند (اطلاعات، ش ۴۷۰۵، ۱۳۲۰: ۳؛ همان، ش ۴۷۵۶، ۱۳۲۰: ۲).

شرایط جنگی موقعیت ایجاد کرد که سودجوئی های برخی مجال پیدا کند و به ضرر منافع و مصلحت عمومی مجال رشد یابد. تجار، ملاکین، دامداران خواه ناخواه با آهنگ رشد قیمت ها همراه می شدند. از آن میان برخی افراد یا گروه ها که با کارگزاران آمریکایی ها و انگلیسی ها مرتبط بوده و در حکم مباشر و همراه آنان بشمار می رفتند، از این بازار آشفته نصیب بسیار یافتند. در حالی که وضعیت اقشار متوسط و پائین جامعه بسیار نامطلوب بود (بولارد، ۱۳۶۳: ۹۳-۹۲). در نتیجه تورم فوق العاده مواد غذایی، هزینه زندگی در سال های ۱۳۲۳-۱۳۲۰ بیش از ۸۰۰ درصد افزایش یافته بود (لسترنج فاوست، ۱۳۷۴: ۳۳-۳۴)

با افزایش قیمت گندم در مهر ۱۳۲۱ بهای دیگر خواروبار هم به تبعیت از آن در لرستان افزایش یافتند حتی در سال بعد همچنان ارزش گندم از خرواری چهار هزار ریال کاهش نیافت (اطلاعات، ش ۵۰۱۴، ۱۳۲۱: ۱؛ همان، ش ۵۲۲۲، ۱۳۲۲: ۴) این رکود اقتصادی و تورم کالاهای مصرفی که نتیجه جنگ و حضور نیروهای بیگانه در لرستان بود از نظر گاه مالی فشار زیادی به اقشار پایین جامعه لر وارد نمود ولی در مقابل منفعت زیادی برای محترکان داشت.

۷. نتیجه گیری

جنگ جهانی دوم یکی از رویدادهای بزرگ و جهانی بود که حتی کشور بی طرفی چون ایران را نیز در بر گرفت. در جریان اشغال ایران توسط نیروهای متفقین، هر منطقه با جوهی از بحران های ناشی از اشغال سرزمین مواجه شد. منطقه لرستان به دلیل نزدیکی به چاههای نفت خوزستان، واقع شدن در مسیر ارتباطی تهران-خوزستان و نیز حساسیت های مرزی قومی و طبیعی، برای دول متفق اهمیت زیادی داشت. اشغال نظامی لرستان آثار زیان بار اقتصادی و اجتماعی در منطقه در برداشت.

نامنی ناشی از کاهش اثرگذاری حکومت مرکزی در منطقه، عنان گسیختگی طوائف سرکش و اعاده دعاوی قبلی آنها، در کنار ایجاد تقاضای مضاعف برای نیروی کار و مواد

غذائی شرائط منطقه را پیچیده کرد. بروز نوسانات اقلیمی مانند کاهش بارندگی، افت تولید کشاورزی، افزایش قیمت ها و تورم را در پی داشت. این وضعیت باعث افزایش فقر عمومی و بروز گرسنگی شد. دخالت های مضر و ناکارآمد نیروهای متفقین مانند، مصادره اموال مغازه داران و بازرگانان لرستانی، بر شرائط رکود اقتصادی دامن زد. همه این موارد در میان مدت وضعیت زیرساخت های اقتصادی و اجتماعی لرستان را دچار صدمه های جدی کرد و روند رشد و توسعه در این منطقه را با موقعیت بسیار پیچیده تری از قبل مواجه کرد.

پی نوشتها

۱. در خاطرات افراد کهنسال منطقه این گونه رفتارهای نظامیان خارجی نقل می شود. از جمله در منطقه سکونت طایفه فلاوند، واقع در بخش الوار گرمسیری، یکی از سربازان هندی دو برادر را با شلیک به قتل رساند و ادعا کرد چون لرها یک سرباز هندی را کشته اند، او این چنین با قتل چند نفر انتقام گرفته است (مصاحبه با شیخ علی فلاحی، مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۹)
۲. برای ملاحظه گزارشی در باب چگونگی مسلح شدن ایل بیرانوند در هنگام ورود متفقین به لرستان، رک: واعظ، ۱۳۸۸: ۵۱۲).
۳. به عنوان مثال در ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ بیست مهندس نقشه کش انگلیسی و هندی برای نقشه کشی اراضی طرفین جاده بروجرد - همدان از شهرستان همدان وارد بروجرد شدند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش: ۰۰۴۰۲۷-۲۹۳)
۴. در زاغه، کدخدایان آن، طی قراردادی مقادیری زمین جهت احداث کمپ به آمریکایی ها اجاره دادند. اسناد مربوط با امضای کدخدا علی میرزا، کدخدا براری و کدخدا محمد مراد از طایفه دالوند، باقی است.
۵. در ۲۸ مهر ۱۳۲۱ ش، شرکت نفت انگلیس و ایران جهت احداث یک باب ساختمان به منظور جایگاه سوخت بنزین مقادیری زمین کشاورزی مرغوب در حاشیه جاده معمولان، از روستاهای جنوب خرم آباد، از مالکان به بهای هر متر مربع سه ریال خریداری و تأسیسات سوخت رسانی بر پا کرد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند ش: ۰۲۷۲۸۶-۲۳۰)

کتابنامه

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶). صورہ الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشار امیرکبیر.
- اطلاعات در یک ربع قرن (۱۳۲۹). حوادث مهم یک ربع قرن در یک کتاب، تهران: روزنامه اطلاعات.
- ایزد پناه، حمید (۱۳۷۶). تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بازگیر، فضل الله و دیگران (۱۳۹۹). استان شناسی لرستان، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- بلوشر، ویپر (۱۳۶۹). سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- بولارد، سرریدر و سر کلارمونت اسکراین (۱۳۶۳). شترها باید بروند، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- بهرامی، روح اله (۱۳۸۸). سلسله والیان لرستان، تهران: انتشارات حروفیه و دانشگاه لرستان.
- ترکمان، اسکندریک منشی (۱۳۵۰). عالم آرای عباسی، (ج ۱)، تصحیح محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۵). انقلاب اسلامی در لرستان (ج ۱)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رزم آرا، حاجعلی (۱۳۹۳). خاطرات و اسناد سپهبد حاجعلی رزم آرا، به کوشش کامبیز رزم آرا و کاوه بیات، تهران: پردیس دانش.
- رعنایی، شهین (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی مناطق غربی ایران، فصلنامه پژوهش های تاریخی، سال پنجاه و سوم، دوره جدید سال نهم، ش سوم، صص ۱۹-۳۲.
- سراجی، روح الله (۱۳۸۸). نیم قرن خاطرات یک معلم، خرم آباد: شاپورخواست.
- ستوده، یدالله (۱۳۸۸). شورش لرستان (لرستان به روایت اسناد)، خرم آباد: شاپورخواست.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کرونین، استفانی (۱۳۹۷). رضاشاه و شکل گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.

پیامدهای حضور نظامی متفقین در ... (شهرام یوسفی فر و محمد دالوند) ۱۵۱

- غضنفری امرایی، اسفندیار. (۱۳۹۳) تاریخ غضنفری ج ۲، به کوشش اسعد غضنفری و یداله ستوده، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- فوران، جان (۱۳۹۰). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فهیومی، مهدی (۱۳۸۸). نقش میرهای سیمره در تاریخ لرستان در عصر قاجار و پهلوی، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- قاسمی، فرید (۱۳۹۴). سرگذشت خرم‌آباد، تهران: سید فرید قاسمی.
- لسترنج فاوست، لوئیس (۱۳۷۴). ایران و جنگ سرد، ترجمه کاوه بیات، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- محمدی، ماشاء الله (۱۳۹۰). خاطرات من از خرم‌آباد قدیم، خرم‌آباد: افلاک.
- مستوفی، حمداله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۶۵). التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
- مکی، حسین (۱۳۶۶). تاریخ بیست ساله ایران (پس از سقوط دیکتاتوری پهلوی و تحمیلات متفقین به ایران)، (ج ۸)، تهران: علمی.
- واعظ شهرستانی، نفیسه (۱۳۸۸). سیاست عشائری پهلوی اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- والیزاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۲). تاریخ لرستان روزگار پهلوی، به تصحیح غلام‌رضا عزیز، تهران: حروفیه.
- _____ (۱۳۸۰). تاریخ لرستان روزگار پهلوی، به تصحیح حمید رضا دالوند، تهران: حروفیه.
- ویلسون، آرنولد تالبوت (۱۳۹۴). سفرنامه ویلسون، ترجمه و حواشی علی محمد ساکی، خرم‌آباد: شاپورخواست.
- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۳۸). روضه الصفای ناصری، تهران: خیام.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۹۰). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.
- یزدی. ملاجلال منجم (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌اله وحیدنیا، تهران: وحید.
- یوسفی فر، شهرام، اتابکان لرستان، در: تاریخ جامع ایران، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ۱۳۹۳، صص: ۱۰۶-۲۹۰.
- مجموعه اسناد

۱۵۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره های بازیابی ۱۰۶۰۱۲، ۰۷۷۲۸۶-۲۳۰، ۰۵۰۶۱۵-۲۴۰،
۰۷۴۴۲۰-۲۴۰، ۰۱۰۴۱-۲۹۳، ۰۰۴۰۲۷-۲۹۳، ۰۰۲۹۰۲-۳۱۰.

اسناد شخصی سام دالوند، لرستان، خرم آباد.

تبرائیان، صفاءالدین (۱۳۷۱). مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸-۱۳۲۴، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، به کوشش بهروز قطبی، اطلاعات، تهران: ۱۳۸۹.
روزنامه‌ها

وقایع الاتفاقیه، شماره ۳۵۶، ج ۳، پنجشنبه ۸ ربیع الثانی ۱۲۷۴.

اطلاعات، شماره ۴۷۰۵، ۲۱ آبان ۱۳۲۰.

اطلاعات، شماره ۴۷۵۶، ۱۲ دی ۱۳۲۰.

اطلاعات، شماره ۵۰۱۴، ۱۲ مهر ۱۳۲۱.

اطلاعات، شماره ۵۲۲۲، ۲۳ تیر ۱۳۲۲.

مصاحبه

مصاحبه با شیخ علی فلاحی، بازنشسته جهادسازندگی، هفتاد و شش ساله، زاغه (لرستان)،
۱۳۹۸/۱۱/۱۹.

مصاحبه با میرحسین دالوند، کشاورز، هفتاد ساله، پدر نگارنده (محمد دالوند)، زاغه (لرستان)،
۱۳۹۹/۱۱/۵.

مصاحبه با نعمت الله دالوند، کشاورز، چهل و هشت ساله و فرزند یکی از معلمان در اوایل دوره
محمد رضاشاه، زاغه (لرستان) ۱۳۹۸/۹/۱۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی